
YAŞIL KÖLGƏ

دانشکده الهیات ومعارف اسلامی

گروه فقه شافعی

مباحث اصول فقه (۲)

هفته پنجم

استاد : دکتر مصطفی ذوالفقار طلب

دستیار: فردین قمری

دليل اجمالی چهارم: قياس

تعريف قياس:

۱-تعريف لغوی:

الف-اندازه گيري چيزي با چيزي ديگر (اندازه گيري لباس ، خط كش و ...)
ب- مقايسه دو چيز با همديگر
ج_تسويه : مساوی كردن دوچيز با يكديگر

تعريف اصطلاحي:

الف : «الحاق ما لم يرد فيه نص علي حكمه بما ورد فيه نص علي حكمه في الحكم، لاشتراكهما في عله ذلك الحكم» . (ملحق كردن مسئله فاقد حكم منصوص به مسئله حكم منصوص به دليل اشتراك در علت حكم).

ب:«مساواه فرع الاصل في عله حكمه» (برابر ساختن فرع با اصل در علت حكم)

نكته: قياس به عنوان دليل اجمالی ، مثبت حكم مقيس (قياس شده) نيست بلكه كاشف حكم آن است

ارکان قیاس:

با تطبیق آیه تحریم خمر برآن .

آیه تحریم خمر«یَاأَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَیْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّیْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ (۹۰) مائده»

(ایَ مومنان ، جز این نیست که شراب وقماروانصاب وازلام پلید (وناشی) از عمل شیطان است ، پس از آن احتراز کنید باشد که رستگار شوید)

۱–اصل (مقیس علیه= قیاس شده برآن) :

وآن چیزی است که نص (قرآن یا سنت) حکم آن را بیان کرده است ، در مثال ایه تحریم خمر، نبیذ ماخوذ از انگور که آیه قرآنی حکم تحریم آن را بیان کرده است ، اصل می باشد

۲-حکم اصل :

حکمی که با نص بیان شده است . در مثال آیه تحریم خمر، حکم تحریم ، به عنوان حکم اصل به شمار می آید

۳-فرع(مقیس=قیاس شده) :

مسئله ایی که نصی حکم آنرا بیان نکرده است وهدف در عملیات قیاس ، دستیابی به حکم فرع از طریق حکم موجود در اصل می باشد در مثال آیه تحریم خمر، نبیذ خرما و جو و... فرع محسوب می شود

۴-علت :

وصف موجود در اصل است که به دلیل وجود آن در فرع حکم به تساوی حکمی بین اصل وفرع داده می شود . در مثال آیه تحریم ، اسکار(مست کنندگی) علت مشترک بین اصل وفرع است

نکته: بنابردیدگاه جمهور فقها، مفهوم لفظ «خمر» شامل هر مسکر (مست کننده) می شود ودر این صورت نیازی به قیاس نیست ، ولی عملیات قیاس در این مثال اثبات کسی است که از طریق نص قائل به تحریم آن نیست ، در نتیجه از طریق قیاس تحریم آن اثبات می گردد

بیان نمونه های از مسائل قیاس :

۱–قیاس مسئله قتل موصی (وصیت کننده) توسط موصی له (وصیت شده برای او) به عنوان فرع به مسئله قتل مورث توسط وارث (فرع) به دلیل وجود علت مشترک بین آن دو (استعجال در دستیابی به چیزی قبل از وقت آن)

۲–قیاس مسئله دخالت بر اجاره دیگران (فرع) بر مسئله دخالت در مسئله خواستگاری یا خرید وفروش دیگران (اصل) به دلیل وجود علت مشترک بین آن دو (اذیت واعتداء بر حق دیگران)

۳–قیاس معاملاتی از قبیل اجاره ، رهن ، نکاح در وقت اذان بر مسئله بیع (خرید وفروش به دلیل وجود علت مشترک بین آن دو _تماطل وتاخیر رفتن به سوی نماز جمعه_که موجب ازدست رفتن نماز جمعه می گردد)

حجیت قیاس:

دیدگاه اول : جمهور قائل به حجیت قیاس هستند.

ادله:

أ– آیه قرآن: «فَاعْتَبِرُوا یَاأُولِی الْأَبْصَارِ (۲) حشر» (پس ای دیده وران پند گیرید.)

وجه استدلال : از آن جهت که لفظ «عبرت» ومشتقات آن در لغت به معنای عبور از چیزی است ، مانند عبور از رودخانه ؛ قیاس نیز همانند آن انتقال از حکم مقیس علیه (اصل) بر مقیس (فرع) می باشد وبه طور مسلم ، قیاس نوعی عبرت محسوب می شود .

۲– سنت :

الف: حدیث معاذ که رسول الله صلی الله علیه وسلم به هنگام اعزام به یمن به عنوان قاضی ، خطاب به او فرمود : بر اساس چه چیزی حکم می کنی ؟ عرض کرد : بر اساس قرآن سپس بر اساس سنت و سپس بر اساس اجتهاد

وجه استدلال : قیاس نوعی از اجتهاد محسوب می شود که رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث مذکور ان را تایید فرمود.

ب: حدیث مربوط به قیاس بوسیدن همسر از طرف زوج روزه داربر مضمضه آب

ج: حدیث مربوط به قیاس «حج برای ولی میت» به « برداختن دین (قرض) او.»

۳–قول صحابی:

الف: قیاس عدم جواز بیع هیچ چیزی قبل از قبض آن به حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم مبنی بر عدم جواز بیع طعام قبل از قبض آن.

ب:قیاس «وارد کردن عول بر سهم الارث به وقت فزونی سهام وارثان از سهام مسئله » بر «کم کردن سهم طلبکاران از مال بدهکار به وقت بیشتر بودن طلب آنان از مال بدهکار »

ج: ابن عباس رضی الله عنه :قیاس حجب برادران از طرف جد به حجب برادران از طرف پسر پسر

د: نامه عمربن خطاب به ابو موسی اشعری رضی الله عنهما «**الْفَهْمَ الْفَهْمَ فیمَا أُدْلِیَ إِلَیْکَ , ممَّا لَیْسَ فی قُرْآن وَلَا سُنَّة , ثُمَّ قَایس الْأُمُورَ عنْدَ ذَلکَ , وَاعْرف الْأَمْثَال وَالْأَشْبَاهَ , ثُمَّ اعْمدْ إِلَی أَحبِّهَا إِلَی الله فیمَا تَرَی , وَأَشْبَهَهَا بالْحَقِّ .**» (دربَاره ی مَسائل مطَرح شدهَ نزَد تو که حَکم آن در کتابَ وَسنت وجود ندارد ، به طَور یَقین فهم خَود رَا بَه کار گیر وآنگاَه امَور را با هم قیاس کن ونظایر را بشناس وسپس به مورد پسندیده تر نزد خداوند ونزدیکتر به حق عمل کن .)

ه:مقصود شارع از تشریع احکام ، محقق ساختن مصالح عباد است و قیاس نیز در حقیقت تاکید بر این مقصود است که به دلیل علت مشترک بین اصل وفرع انجام می گیرد.

و: نصوص شرعی ، محدود ولی حوادث غیر محدود هستند و بیان احکام شرعی حوادث غیر منصوص ، از طریق کشف علت مشترک بین اصل وفرع (قیاس) امکان پذیر است.

دیدگاه دوم : ظاهریه ، جمعی از معتزله و شیعه ی امامیه قائل به عدم حجیت قیاس هستند.
ادله :
۱–قرآن:
الف: «**یَاأَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تُقَدِّمُوا بَیْنَ یَدَیِ اللَّهِ وَرَسُولِه۱»(حجرات)** «ای مومنان ، فرا روی خداوند ورسولش پیش دستی نکنید.»
وجه استدلال : بَیان حکمی _از جمله از طَریق قَیاس _که نصی درباره آن ، نه در قرآن ونه در سنت آمده است ،در حقیقت پیش دستی کردن بر فراروی خداوند ورسولش محسوب می شود .
ب: «**وَلَا تَقْفُ مَا لَیْسَ لَکَ بِهِ عِلْمٌ ۳۶**»(اسراء) «واز پی چیزی مرو که تو را به آن دانش نیست.»
وجه استدلال : قیاس در حقیقَتَ نهی از پیروی ازچیزی بدون دانش است؛ چه آنکه قیاس ، امری ظنی محسوب می شود . بر این اساس از عمل به قیاس نهی شده است .
ج: «**وَنَزَّلْنَا عَلَیْکَ الْکِتَابَ تِبْیَانًا لِکُلِّ شَیْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِینَ۸۹**»**(نحل)** «وبر تو کتاب (آسمانی) برای روشن ساختن هر چیزی و راه نمودن و رَحمتَ ومژده دادن مُسلمانان نازل کردیم.»
وجه استدلال : قرآن که روشن کننده ی همه چیز است،نیازی به قیاس نیست.
۲– قول صحابی بر ذم وسرزنش عمل به قیاس
۳– قیاس موجب اختلاف وتفرقه بین امت است ؛ چه آنکه قیاس مبنی بر ظن است ودیدگاه ها درباره مسائل ظنی متفاوت است
۴–تشریع احکام ف مبتنی بر تساوی دو چیز همسان وجدایی بین دو چیز مختلف نیست .